

The Cultural Effects of Immigrants' Presence in the Host Country from a Criminology Perspective

¹Azar Alinejad , ² Mohammad Ali Khosravnejad Atashani

Received : 2025/6/29

Accepted : 2025/7/20

Abstract

Immigration is one of the most important issues that is rapidly increasing in the world's immigration-receptive countries, which causes problems in various fields of the destination society. Being immigrant doesn't mean that person commit the crime but the confrontation between the two cultures of the immigrant-first and immigrant-receptive regions in international immigration causes the formation of a cultural challenge. Employing an analytical and descriptive methodology, the current study aims to evaluate The Cultural Effects of Immigrants' Presence in the Host Country from a Criminology Perspective. Immigrants face cultural challenges, leads to their living in the outskirts of the city and being a member of criminal subcultures and committing special kinds of crimes. immigration and cultural challenges resulting from it, which lead to immigrant people turning to marginalization and membership in criminal subcultures, let's explore the type of crimes, which are mostly crimes against property and persons.

Abstract current study aims to evaluate The Cultural Effects of Immigrants' Presence in the Host Country from a Criminology Perspective. Immigrants face cultural challenges, leads to their living in the outskirts of the city and being a member of criminal subcultures and committing special kinds of crimes. immigration and cultural challenges resulting from it, which lead to immigrant people turning to marginalization and membership in criminal subcultures, let's explore the type of crimes, which are mostly crimes against property and persons.

1. Assistant Professor, PhD, Faculty Member, Department of Islamic Studies and Law, Faculty of Literature and Humanities, Vali Asr University (A.J.) Rafsanjan, Iran
email: a.alinezhad@vru.ac.ir

2. Master's degree student, Department of Islamic Studies and Law, Faculty of Literature and Humanities, Vali Asr University, Rafsanjan, Iran



بررسی جرم شناختی اثرات فرهنگی حضور مهاجران

بر سیمای جنایی جامعه میزبان

آدر علی نژاد^۱، محمد علی خسروی نژاد آشنائی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸

چکیده

امروزه مهاجرت یکی از مهم ترین مسائلی است که در سطح کشورهای جهان به دلایل گوناگون در حال افزایش است و با توجه به نوع مهاجرت مشکلاتی را در زمینه های گوناگون برای جامعه میزبان به وجود می آورد. مهاجر بودن به معنای ارتکاب جرم نیست اما باید توجه کرد که مواجهه مهاجران با انواع مشکلات اقتصادی و معیشتی منجر به سکونت آنان در حاشیه شهرها و متعاقب آن عضویت در خرده فرهنگ ها و ارتکاب انواع مشخصی از رفتارها می گردد. علاوه بر این تقابل دو فرهنگ منطقه مهاجرفرست و مهاجرپذیر در مهاجرت های بین المللی باعث شکل گیری چالش های فرهنگی می شود که خود بر احتمال ارتکاب برخی انواع مشخص از جرایم موثر است. در این مقاله با هدف شناخت تأثیر چالش های فرهنگی ناشی از مهاجرت بر سیمای جنایی جامعه میزبان از منظر جرم شناسی، به روش توصیفی- تحلیلی به بررسی مهاجرت و چالش های فرهنگی ناشی از آن، با استفاده از نتایج نظریات جرم شناسی فرهنگ محور پرداخته شده است. در کشور ایران با توجه به ترکیب جمعیتی و ایدئولوژیکی خود و هم چنین نوع مهاجرت و ویژگی های مهاجرانی که با آنان مواجه است دو مسئله حاشیه نشینی و تعارض فرهنگی جلوه بیشتری دارد. در این مقاله خواهیم دید که حضور مهاجران در مناطق حاشیه ای و خرده فرهنگ های مجرمانه آن و وجود برخی تعارضات فرهنگی، بر نوع جرائم ارتكابی و خصوصاً ارتكاب جرائم مشخص علیه اموال و اشخاص موثر است.

واژگان کلیدی: چالش فرهنگی، مهاجرت، نوع جرایم، بررسی جرم شناختی.

۱. استادیار، دکترا، عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی و حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول)

ایمیل: a.alinezhad@vru.ac.ir کد ارکید: ۷۲۷۶-۹۱۱۱-۰۰۰۲-۰۰۰۰

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه معارف اسلامی و حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان، ایران
ایمیل: ma97khosravi@gmail.com

انسان‌ها مخلوقات اجتماعی هستند و رفتار آن‌ها تا حد زیادی محصول محیط اجتماعی آن‌هاست. حضور در جامعه هم زمینه‌ساز تأثیرگذاری انسان بر جامعه و هم تأثیرپذیری وی از محیط اجتماعی است. بسیاری از خلق و خوی‌ها، رفتارها، آداب و سنت‌ها؛ هنجارها و ناهنجاری‌ها برخاسته از تأثیر محیط بر شخصیت افراد است. یکی از مباحث مربوط به تغییر محیط اجتماعی مهاجرت است که به تبع آن چالش‌هایی برای فرد و جامعه به وجود می‌آید. این چالش‌ها باعث می‌گردد توجه اندیشمندان بسیاری از جمله جرم‌شناسان به مسئله مهاجرت معطوف گردد.

یکی از مهم‌ترین مفاهیم در جامعه‌شناسی که بسیار رایج است؛ فرهنگ است. فرد در فرایند جامعه‌پذیری تحت تأثیر فرهنگ بوده و رابطه‌ی تنگاتنگی بین این دو مقوله وجود دارد. این مجموعه‌ای از اندیشه‌ها هستند؛ که فرهنگ یک جامعه را مشخص می‌کنند؛ در واقع این مجموعه هنجارها و ارزش‌های مقبول جامعه هستند؛ که در دنیای اجتماعی به آدمیان اعتبار و ارزش می‌بخشند و مسیر آن‌ها را مشخص می‌کنند. آن دسته از قواعد رفتاری که منعکس‌کننده ارزش فرهنگ یک جامعه هستند؛ هنجار نامیده می‌شوند.

بنا بر مطالعات جامعه‌شناسان تعارضات فرهنگی، خرده فرهنگ‌ها، سبک زندگی، تأخر فرهنگی و ... رفتار افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همانطور که خواهیم دید نظریات جرم‌شناسی متعددی مطرح شده است که تأثیر فرهنگ بر جرم را از جوانب گوناگون به آزمون گذاشته‌اند. جرم‌شناسان معتقدند آسیب‌های فرهنگی فرد را به سمت ارتکاب رفتارهای ناهنجار می‌کشاند. در مقاله حاضر بررسی رابطه مهاجرت با مسائل فرهنگی و نهایتاً تغییر سیمای جنایی جامعه میزبان مورد توجه واقع شده است.

مهاجرت از عوامل ایجاد تکثر فرهنگی در کشور میزبان است. تکثر فرهنگی با توجه به ویژگی‌های جامعه میزبان می‌تواند منجر به آسیب‌های فرهنگی گردد. آسیب فرهنگی در نتیجه عدم موفقیت در فرایند جامعه‌پذیری مهاجران و تعارض فرهنگی به وجود می‌آید. مهاجرت جامعه میزبان را با چالش‌های فرهنگی مواجه می‌سازد. شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده فرهنگ جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده، حفظ تعادل آن را دچار مشکل کرده و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد، چالش فرهنگی گفته می‌شود.

عوامل فرهنگی ذکر شده زمینه ساز تاثیرات مهمی بر «نوع» جرایم ارتكابی از سوی افراد است و اگر راهکاری مناسب برای مقابله و حل یافت نشود ممکن است تبدیل به بحرانی لاینحل شود. تكثر فرهنگی مهاجرین در کشور میزبان در فرایند جامعه پذیری افراد تأثیرگذار بوده که در شکل منفی خود باعث از هم گسیختگی سازمان و تشکیلات اجتماعی و زمینه ساز منازعه و ارتكاب جرم می باشد و در سیمای جنایی جامعه میزبان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مؤثر است. این چالش ها با توجه به نوع مهاجرت (داخلی، بین المللی، اجباری یا اختیاری) و علت مهاجرت (ایدئولوژیک، فرهنگی و علمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا طبیعی) متفاوت است. پژوهش هایی صورت گرفته در حوزه مهاجرت و تأثیر آن بر مسائل فرهنگی موبد این امر است که حضور بیگانگان در بدو ورود به شهرهای مرزی تغییراتی در ابزارها، ارزش ها و اعتقادهای فرهنگی مردمان این شهرها به دنبال دارد.^۱

شایسته ذکر و توجه است که مهاجر بودن الزاما به معنای ارتكاب جرم نیست. شاید در ابتدای شکل گیری نظریات فرهنگ محور و با تمرکز بر مهاجران، به دلیل تفاوت های علل مهاجرت خصوصا در قرن نوزدهم، مهاجرت یکی از عوامل بالا رفتن «نرخ» رفتارهای مجرمانه در جامعه میزبان در نظر گرفته میشد اما امروزه تحقیقات متعددی انجام شده است که به این نتیجه منتج شده است که رابطه معناداری میان مهاجرت و بالا رفتن ارتكاب جرم در جامعه میزبان وجود ندارد.^۲ اما آنچه که مد نظر این پژوهش است توجه به رابطه میان تفاوت های فرهنگی میان مهاجرین و جامعه میزبان در ایجاد شرایط خاص جهت ارتكاب انواع خاص از جرایم مرتبط با چالش های فرهنگی است.

کشور ایران با مهاجرت از کشور افغانستان و سایر کشورهای همسایه که درگیر در بحران های داخلی هستند مواجه است و این مهاجران در حاشیه شهرها خصوصا در استان های همجوار با مرز ساکن می شوند و تعارضاتی از جوانب قومی و مذهبی با جامعه میزبان دارند، لذا پرداختن به این موضوع حائز اهمیت است.

۱- عابدینی راد، آرزو، و دیگران، بررسی تاثیر حضور اتباع خارجی بر تغییرات فرهنگی شهرهای مرزی (محدوده مورد مطالعه: شهرستان مریوان، استان کردستان). همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش ها و

رهیافت ها، ۱۳۹۱. <https://sid.ir/paper/818446/fa>

2- Olivier, Marie & Pinotti, Paolo, Immigration and Crime: An International Perspective, Journal of Economic Perspectives, Vol. 38, No. 1, 2024, pp. 181-200.

در این مقاله پس از ارائه تعاریف موجود در خصوص مهاجرت و فرهنگ و همچنین مهاجرت به عنوان یک عامل تاثیرگذار بر سیمای جنایی جامعه میزبان و ارتکاب جرم، جهت ارائه تحلیل دقیق و علمی به ذکر نظریات جرم شناسی فرهنگ محور پرداخته ایم. این نظریات از دو بعد موضوع بحث را تبیین خواهند نمود. از سویی به اهمیت مسائل اجتماعی و خصوصاً فرهنگ بر ارتکاب جرم می پردازند و از دیگر سو پدیده مهاجرت را به عنوان عاملی که بر فرهنگ جامعه میزبان تاثیر گذاشته و یا از آن تاثیر می پذیرد مورد توجه قرار می دهند. بر این اساس خواهیم دید که از منظر مطالعات جرم شناختی در فرایند مهاجرت و جامعه پذیری مهاجران در جامعه میزبان چالش های فرهنگی مهمی ایجاد خواهد شد که بر نوع جرایم ارتكابی موثر خواهد بود.

فرهنگ و مهاجرت

یکی از موضوعات موثر بر همه ارکان جامعه، «فرهنگ»^۱ است؛ در واقع هر جامعه‌ای فرهنگ مختص به خود را دارد، که نوع برخورد افراد آن جامعه و نحوه‌ی روابط آن‌ها را مشخص می‌کند؛ یکی از مهم ترین مولفه‌های مرتبط با جرم، مسئله فرهنگ است که از جوانب مختلفی قابل بررسی است تعاریف مختلفی از فرهنگ از جهات مختلف بیان شده است؛ یکی از جامع ترین این تعاریف، فرهنگ را روش‌های زندگی اعضای یک جامعه یا گروه‌های یک جامعه بیان نموده اند.^۲ برخی فرهنگ را «شیوه کلی زندگی» نامیده‌اند که شامل، کلیه فعالیت‌های مادی و معنوی و تولیدات خاص یک گروه اجتماعی است که آن را از سایر گروه‌های مشابه متفاوت می‌سازد. بنابراین فرهنگ در این معنا به عنوان مجموعه‌ی به هم پیوسته از ارزش‌های حاضر یک گروه و فعالیت‌های انجام شده و روال اعمالی که گروه‌های خاص در طول زمان با آن روبه رو بوده است، که در واقع این ارزش‌ها و روال‌ها، تعاملات اجتماعی و کنش افراد را در زندگی روزمره تعیین می‌کند.^۳ به نظر ساترلند فرهنگ شامل هر آن چیزی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. فرهنگ یک قوم را میراث اجتماعی آن می‌دانند، [به بیان دیگر] به مجموعه‌ای از: دانش، دین، هنر، اخلاقیات، قانون، فنون ابزارسازی، کاربرد و شیوه‌ی انتقال آن‌ها گفته می‌شود.^۴

1- Culture

۲- محمدی، اقبال، عامل شناسی فرهنگی جرم و راه‌های پیشگیری از آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۲، ص ۸.

۳- اسلامی، رضا و دیگران، آموزش حقوق بشر، مجد، چاپ نخست، تهران، ۱۳۹۳، ص ۴۶۰.

۴- زینالی، امیرحمزه، جرم انگاری درحوزه‌ی فرهنگ، مجد، چاپ نخست، تهران، ۱۳۹۴، ص ۲۸.

براساس تعریفی که در کنفرانس تدابیر فرهنگی از فرهنگ ارائه شده است: «فرهنگ مجموعه‌ای تام از خصوصیات معنوی، مادی، فکری و عاطفی است، که جامعه یا گروه اجتماعی را متمایز می‌کند. نه تنها در بر گیرنده‌ی هنر و ادبیات است بلکه شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی بشر، نظام‌های ارزشی، سنت و باورها را هم... بر می‌گیرد.^۱

«مهاجرت»^۲ یک موضوع بین رشته‌ای محسوب می‌شود که در رابطه با آن نظریات متعدد و متفاوتی وجود دارد و هر یک به یک مصداق خاص از آن اشاره کرده‌اند. در دیدگاه حقوقدانان به شخصی که از اقدام به تغییر محل اقامت خود؛ ضمن عبور از مرزهای سیاسی، برای مدت نسبتاً طولانی به دلایل سیاسی، اقتصادی، جمعیتی، مذهبی، نژادی و یا معیشتی با رعایت تشریفات قانونی می‌نماید و کشور خود را به قصد مهاجرت به کشور مهاجرپذیر ترک می‌کند.^۳ عوامل کلان موثر بر مهاجرت شامل عوامل سیاسی (شامل امنیت، آزادی، حکمرانی، محکومیت سیاسی و غیره)، اقتصادی (فقر، نابرابری، بیکاری، درآمد و کاهش ارزش پول ملی)، اجتماعی (سرمایه اجتماعی، میزان تعهد خانوادگی، پیگیری آموزش بهتر) جمعیت شناختی (اندازه و چگالی جمعیت، ساختار جمعیت و شیوع بیماری) و زیست محیطی (خشک سالی، بهره وری زمین، امنیت غذا و انرژی) و عوامل خرد نیز دربردارنده خصوصیات شخصی (سن، جنس، مذهب، زبان، نژاد، آموزش، ثروت و تاهل یا مجرد) و موانع یا تسهیل کننده‌های موثر (هزینه مهاجرت، چارچوب حقوقی و سیاسی مهاجرت، شبکه‌های اجتماعی، تکنولوژی) می‌باشد.^۴ مهاجرت را از حیث قدرت تصمیم گیری افراد، تعداد مهاجران (فردی یا جمعی)، منشا جغرافیایی (داخلی یا خارجی)، فاصله‌ی مکانی، مدت اقامت و قانونی و غیرقانونی به شیوه‌های گوناگونی می‌توان تقسیم کرد.^۵ اگر چه این پدیده جهانی در راستای حل مشکلاتی که برای فرد مهاجر به وجود آمده و باعث تصمیم او به مهاجرت شده است؛ در نگاه نخست مفید و راهگشاست، اما اگر از دریچه حقوق به این مسئله خوب نگاه کنیم، متوجه معضلاتی که برای فرد مهاجر و کشور میزبان ایجاد می‌کند، خواهیم شد؛ زمینه ساز این مشکلات برای فرد مهاجر و کشور میزبان، موارد مختلفی است که از جمله‌ی این ها

۱- همان، ص ۳۰.

2- Immigration

۳- غفاری نمین، سپیده، حقوق مهاجرت، جنگل، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۰، ص ۳۰.

۴- فلاح حقیقی، نگین و دیگران، تبیین پدیده مهاجرت و علل آن با رویکرد کیفی (مورد مطالعه: استان یزد). پژوهش های جامعه شناسی معاصر، ۱۴۰۳، ۱۳ (۲۴)، ۲۶۰.

۵- بیات، محسن، بزه دیده شناسی بیگانگان، مجد، چاپ نخست، تهران، ۱۳۹۵، ص ۲۲.

می توان به «تعارضات فرهنگی» ناشی از این مهاجرت نام برد.^۱

لازم به ذکر است که اتباع بیگانه حاضر در کشور میزبان از نظر حقوق بین الملل ذیل عناوین مختلفی هم چون آواره^۲، پناهجو یا پناهنده^۳ قرار می گیرند که در مطالعات جرم شناختی و بحث حاضر فارغ از این عناوین، به هر نوع حضور اتباع بیگانه در کشور میزبان و در مفهوم جامعه شناختی آن به پدیده مهاجرت و فرد مهاجر پرداخته می شود.

۱- مهاجرت عامل فرهنگی جرم

مهاجرت را نمی توان به طور قطع به عنوان عامل جرم دانست. دلایل مهاجرت و نوع مهاجرت تاثیر غیرقابل انکاری در رابطه میان ارتکاب جرم توسط مهاجران دارد. زمانی که در مورد مهاجران غیرقانونی صحبت می شود فارغ از جرایمی که به علت غیرقانونی بودن مهاجرت و فقدان مدارک هویتی و قانونی به این دسته از مهاجران نسبت داده می شود،^۴ ادله معتبری در تایید ارتکاب جرایم خاص توسط آنها وجود ندارد. تحقیقی در ایالت تگزاس ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسیده است که مهاجران غیرقانونی به دلایل متعددی کمتر مرتکب جرایم خشن و یا جرایم عمومی می شوند زیرا دستگیری آنان عواقب شدیدی هم چون اخراج از آن کشور را برای آنان خواهد داشت و نمی توان گفت این افراد به نسبت افراد متولد ایالات متحده و یا مهاجران قانونی بیشتر مرتکب جرم می شوند.^۵ اما حتی به فرض حضور قانونی مهاجران در یک جامعه بسیط یا به عبارتی در جامعه ای که دارای تنوع فرهنگی نبوده و افراد پذیرش کمتری نسبت به حضور مهاجران

۱- همان، ص ۲۵.

۲- غفاری نمین، سپیده، پیشین، ص ۵۸.

۳- موسی زاده، ابراهیم و دیگران، بررسی و تحلیل حقوق پناهندگی در نظام داخلی و حقوق بین الملل، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نخست، تهران، ۱۳۹۶، ص ۲.

۴- همانطور که سابقاً بیان شد جرایم ارتكابی از سوی مهاجران گاه مرتبط با امر مهاجرت است که میتوان آنها را در سه دسته جرایم مربوط به ۱- ورود و حضور غیرقانونی ۲- وارد کردن افراد و پناه دادن به مهاجران غیرقانونی و عبور دادن غیرقانونی بیگانگان در کشور ۳- کلاهبرداری های مربوط به مهاجرت همچون جعل پاسپورت یا کلاهبرداری در تعهد به اخذ اقامت و ... میگردد. این دسته از جرایم را در بحث مقایسه میان نرخ و نوع جرایم ارتكابی ز سوی مهاجران و ساکنان جامعه میزبان مورد بحث و بررسی قرار نمی گیرند.

United State Congressional Research Service Report (CRS), Immigration-Related Criminal Offenses, 2023, Available at: <https://crsreports.congress.gov>

5- Light, Micleal T. & Others, Comparing crime rates between undocumented immigrants, legal immigrants and native born US citizen in texas, Princeton university, 2020, Available at: <https://www.pnas.org/doi/pdf/10.1073/pnas.2014704117>

در جامعه خود دارند، مشکلاتی را از جنبه فرهنگی ایجاد می نماید. تحقیقات نشان داده است بحث در خصوص خطرات حضور مهاجران در جامعه میزبان در غالب موارد بیشتر از آنکه متکی بر آمارهای واقعی از ارتکاب جرم بیشتر و یا ارتکاب جرائم خشن توسط آن ها باشد ناشی از عوامل اقتصادی است. تحقیقی با اتکا بر آمارهای مربوط به کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (OECD) نشان می دهد که به مرور زمان ترس ساکنان اصلی از اشغال کردن موقعیت های شغلی توسط مهاجران، بیشتر شده است و هم چنین جرم انگاری برخی از موارد اشتغال به مشاغل خاص توسط مهاجران آمار ارتکاب جرم توسط مهاجران را بالا برده است.^۱

بنابراین ما از مهاجرت به عنوان عامل حتمی ارتکاب جرم صحبت نمی کنیم. چه بسا ارتکاب جرم و دستگیری وضعیت فرد مهاجر را در جامعه میزبان به سمت اخراج برد و این امر مورد خواست اغلب مهاجران نیست. تحقیقات در کشور آلمان از سال های قبل از بحران مهاجرت یعنی از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ و بعد از بحران مهاجرت یعنی از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ نشان می دهد که تاثیر مهاجرت بر نرخ کل جرائم منفی یا به عبارتی کم اهمیت بوده است.^۲

اما ویژگی های جمعیت شناختی مهاجران از جمله پیر یا جوان بودن، مرد یا زن بودن، متخصص یا غیرمتخصص بودن، میزان تحصیلات^۳ فرد مهاجر و از منظر این مقاله تفاوت و یا تعارض فرهنگی میان جامعه میزبان با مهاجر می تواند در نوع و نرخ ارتکاب جرم توسط مهاجران موثر باشد.

۱۵

با رشد بی رویه جمعیت مهاجرین، جوامع ترکیبی از فرهنگ ها و قومیت های مختلف هستند. شناخت روش های هر قومیت در مواجهه با هنجارها و چگونگی ناهنجاری ها به درک مسائل به وجود آمده در این خصوص کمک می کند.^۴

با افزایش جمعیت ناشی از مهاجرت افراد، فرهنگ های متنوعی از اقشار مختلف در یک

1- Olivier, Marie, Op.Cit, P 182-183.

2- Maghularia, Rita & Others, Do immigrants affect crime? Evidence for Germany, Journal of Economic Behavior & Organization, Vol. 211, 2023, Pp 486- 512.

3- Ibid.

۴- محمدی، اقبال، عامل شناسی فرهنگی جرم و راه های پیشگیری از آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۲، ص ۱۵.

منطقه شکل می‌گیرد؛ در صورت تلاقی این فرهنگ‌های متنوع و چالش‌های فرهنگی، شناخت میان گروه‌های متنوع رو به زوال گذاشته و خرده فرهنگ‌هایی مجرمانه شکل می‌گیرد. خرده فرهنگ‌ها به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند؛ اما هنگامی که در جهت عدم مطابقت با فرهنگ غالب شکل گرفته باشند و عدم وفاق و هماهنگی در شکل‌گیری فعالیت‌های آن‌ها دخیل باشد؛ آن‌ها به عکس‌العملی در مقابل فرهنگ اصیل تبدیل می‌شوند و شکل خرده فرهنگ‌های معارض را خواهند گرفت.

در نظریه شتاب دهنده‌گی یکی از عوامل بزه دیدگی یا بزه کاری مهاجران را تفاوت فرهنگ با افراد ساکن در کشور میزبان که منجر به تعارض فرهنگی و در نهایت ارتکاب جرم می‌شود؛ نامیده‌اند. در واقعیت مهاجران به بزه دیدگان یا بزه کاران تحریک کننده فعال یا منفعل تقسیم می‌شوند؛ که این موارد در کشورهایی که دارای تفکرات نژادپرستانه هستند؛ بیشتر نمود دارد. به طور کلی از عواملی که در ارتکاب جرم یا بزه دیدگی افراد مهاجر در کشور میزبان نقش بسزایی دارند می‌توان به خانواده و خلاء آن در بین مهاجرین، ترکیب سنی و جوان و نوجوان بودن جامعه مهاجر،^۱ وجود اهداف مادی در اقدام به مهاجرت، زندگی به صورت جمعی افراد با روحیات و شرایط و خصوصیات اخلاقی متفاوت، حاشیه نشینی که منجر به ایجاد کانون‌های بزهکاری و به تبع آن افزایش ناهنجاری می‌گردد اشاره نمود.

اگر فرد مهاجر در پذیرش فرهنگ کشور میزبان مقاومت نکند؛ به راحتی می‌توان از ارتکاب جرم توسط او جلوگیری نمود؛ در واقع پذیرش فرهنگ کشور میزبان توسط مهاجران شرط لازم برای عدم ارتکاب جرم به وسیله‌ی اوست؛ اما شرط کافی نیست. بنابراین مهاجران اگرچه از کشور متبوع خود خارج شده و در کشور میزبان حضور فیزیکی دارند؛ اما هنوز فرهنگ کشور مبدا را دارند و این مسئله خود می‌تواند زمینه‌گرایش آن‌ها به سمت جرم و نقض فرهنگ غالب جامعه‌ی میزبان را فراهم آورد. مهاجران با رو به رو شدن با هنجارها و ارزش‌های جدید در یک جامعه‌ای دیگر، به آرامی ارزش و هنجارهای حاکم را نسبی دانسته و نسبی بودن، اعتبار این ارزش‌ها و هنجارها را از بین می‌برد و نقض آن‌ها را راحت‌تر می‌کند.^۲

۱- همان، ص ۲۳.

۲- عبدالحسینی، زهرا، پیشین، ص ۱۰۱.

۲- نظریات جرم شناسی فرهنگ محور

از آغاز شکل گیری جرم شناسی به عنوان یکی از شاخه های علوم جنایی نظریات گوناگونی در باب عوامل ارتکاب جرم مطرح شده است. نظریات علت شناسی جرم از تاکید بر عوامل زیستی آغاز و به مرور با پرداختن به عوامل اجتماعی و سپس عواملی در سطح کلان اقتصادی و سیاسی بسط یافته است. باید توجه داشت که علاوه بر اینکه جرم یک پدیده تک عاملی نیست، با توجه به تفاوت در نوع جرم ما با عوامل متفاوتی مواجه هستیم. در این بخش نگاهی به نظریات شکل گرفته حول محور موضوع مهاجرت و اثرات فرهنگی آن و در ادامه نقش چالش های فرهنگی در ارتکاب جرم و تغییر سیمای جنایی جامعه میزبان پرداخته شده است. خواهیم دید که نظریات مربوط به تاثیر فرهنگ و چالش های فرهنگی بر پدیده مجرمانه به عنوان بخش مهمی از نظریات جامعه شناسی مطرح شده است و به مرور در شکل نظریات جرم شناختی فرهنگ محور توسعه یافته است. در نهایت امروزه فرهنگ که تحت تاثیر مهاجرت دچار چالش هایی می شود به عنوان یکی از عوامل موثر بر رخداد پدیده مجرمانه مورد توجه است.

دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷) را می توان از اولین کسانی دانست که بر مباحث اجتماعی و فرهنگی بر جرم تاکید داشت. او بر این عقیده بود که ریشه های رفتارهای انحرافی و بزه کاری را باید در ساختار فرهنگی _ اجتماعی یک جامعه جستجو کرد. دورکیم بر خلاف لومبرزو بزهکاری موروثی به طوری که از اجداد به افراد منتقل شده باشد، نمی دانست؛ بلکه بزهکار شدن افراد را یک پدیده کاملاً عادی در شرایط طبیعی جامعه و یک نشانه بر سلامت جامعه می دانست؛ که اگر جامعه ای مبری از آن باشد دلیل بر بیماری آن است.

برخی از اندیشمندان اروپایی از جمله جامعه شناس معروف سلین بعد از وقوع جنگ جهانی دوم، نظریه دورکیم را مورد استقبال قرار دادند. سلین تعارض فرهنگی را ناشی از عدم هماهنگی و ایجاد تضاد بین هنجارهای رفتاری و ارزش های اخلاقی در یک جامعه می داند. ادوین ساترلند در خصوص تعارض فرهنگی بیان می کند که احتمال بروز تعارض فرهنگی بسته به فاصله بین دو فرهنگ دارد؛ که هر اندازه این فاصله بیشتر باشد، تعارض فرهنگی سریع تر واقع خواهد شد. در میان نظریات دانشمندان کوهن با بهره گیری از تئوری سلین در سال های ۱۹۵۶-۱۹۶۵ تئوری جدید «خرده فرهنگ ها» را مطرح کرد.

کوهن خرده فرهنگ‌ها را مقابل فرهنگ اصیل جامعه می‌دانست. او تشکیل خرده فرهنگ‌های مجرمانه در طبقات ضعیف جامعه را منجر به گسترش بی رویه جرایم می‌دانست. در واقع از نظر او بین جذب افراد در منطقه‌ای که هستند و ارتکاب بزه رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. نظام فرهنگی موجود در یک جامعه باید از چنان قوتی برخوردار باشد که تمام خرده فرهنگ‌ها بتوانند اهداف آرمانی و ارزشی خود را چه در بعد شناختی و چه بعد عاطفی در چهارچوب یک جامعه ببینند و یک قالب پوششی برای حمایت از همه‌ی این خرده فرهنگ‌ها باشد.

شاو و مک کی در مطالعات خود در مکتب شیکاگو بر اساس نتایج تحقیقات خود متوجه شدند که در مناطق محروم و فقیرنشین به واسطه شکلگیری خرده فرهنگ‌های مجرمانه شرایط برای ارتکاب جرم بیشتر فراهم است. در مکتب شیکاگو، بیشتر تحقیقات روی فرهنگ و نابسامانی‌های اجتماعی متأثر از چالش‌های فرهنگی، متمرکز بود. در واقع علت جرم را در فرهنگ جستجو می‌کردند؛ به طور مثال در تحقیقات خود به مهاجران لهستانی اشاره می‌کنند، که اگر چه با مهاجرت خود به کشور آمریکا، فرهنگ کشور خود که مجموعه‌ای از آداب و رسوم و سبک زندگی خود را حفظ کرده‌اند؛ اما از طرف دیگر، برخی رفتارهای آنان با فرهنگ افراد کشور میزبان در تعارض است؛ چرا که هنوز به تفاوت‌های بین دو فرهنگ اشراف ندارند. محققین مکتب شیکاگو معتقد بودند، در فرآیند جامعه پذیر شدن، فرد یا افراد مهاجر تحت تاثیر فرهنگ قرار می‌گیرند. در مطالعات نخستین این مکتب، تحقیقات بر ابعاد فرهنگی، موثر در نابسامانی و از هم گسیختگی اجتماعی است که باعث اخلاص در توسعه‌ی مراکز شهری می‌شود. از جمله این موارد می‌توان به پدیده مهم مهاجرت اشاره کرد. در تحقیقی که توسط جمعی از دانشمندان در سال ۱۹۲۵ در شهر شیکاگو انجام شد، این شهر به پنج لایه تقسیم شد؛ که چهار عامل در نابسامانی اجتماعی و ارتکاب جرم شناسایی شدند؛ یکی از مهم ترین این عوامل، ترکیب گروه‌های قومی مختلف، مخصوصاً مهاجران بود.^۱ پژوهشگران در مکتب شیکاگو که مطالعات خود را در رابطه‌ی با مهاجرت مهاجران لهستانی به آمریکا انجام داده بودند در خاتمه تحقیقات، دو دلیل را در خصوص ارتکاب جرم توسط مهاجران را در جامعه‌ی میزبان نام می‌برند؛ مورد نخست سکونت مهاجران در مکان‌هایی که از لحاظ اقتصادی به صرفه تر هستند و به عبارت دیگر قشر فقیر جامعه در آنجا ساکن هستند؛ که

۱. بیات، محسن، پیشین، ص ۲۳-۲۴.

اصطلاحاً کمر بند فقر یا منطقه انتقال نامیده می شود؛ این شرایط متفاوت لایه ی دوم آنان را به سمت بزه دیدگی یا بزه کاری سوق می دهد. مورد دوم را گسست بین نسل نخست و دوم مهاجران که سبب تعارض و تقابل و در نهایت چالش با فرهنگ مردم کشور میزبان می شود؛ که مجموعه ای از این عوامل سبب ارتکاب جرم می شود؛ در واقع آنان سه مولفه ی مهاجرت، اقتصاد و فرهنگ را موثر در وقوع بزه می دانند.

در پی تحقیقات گسترده ای که در رابطه ی با جرم، مجرم و در نهایت شیوه ی ارتکاب و پیشگیری صورت گرفت؛ محققین به وجود ارتباط تنگاتنگ بین این مولفه ها با فرهنگ پی بردند؛ که همه ی این موارد در جرم شناسی فرهنگی، که از شاخه های جرم شناسی انتقادی است؛ مورد مطالعه قرار می گیرند. جرم به مثابه ی فرهنگ به این معنا است که جرم در درون یک فرهنگ معنا می شود. جرم شناسان فرهنگی بر این عقیده اند که تمامی جرم ها ریشه در فرهنگ دارند و عادت های فرهنگی در فرایندهای عمده ی قدرت جای گرفت اند.^۱ در جرم شناسی فرهنگی، خرده فرهنگ های انحرافی را یکی از مهمترین عوامل در شکل دهی رفتارهای مجرمانه عنوان کرده اند؛ به همین دلیل تمرکز اصلی خود را بر گروه های حاشیه ای و منحرف گذاشته تا این واقعیت اجتماعی را به همگان نشان دهد که این گروه ها به چه نحو از طریق هنجار، سبک و ارزش های فرهنگی خود به نقض قوانین و ارتکاب جرم می پردازند.^۲

مهاجرت و حاشیه نشینی

مهاجران پس از ورود به جامعه میزبان با توجه به ویژگی های جمعیت شناختی مناطق خاصی را نیز به عنوان محل سکونت برمی گزینند. آن دسته از مهاجران که به عنوان جامعه مهاجر آسیب پذیر مد نظر تحقیقات جرم شناختی قرار گرفته اند مناطق حاشیه ای را به عنوان محل اسکان برمی گزینند. این مناطق جدای از ویژگی های اقتصادی حاکم بر آن، دارای ویژگی های فرهنگی خاص می باشند که در نظریات خرده فرهنگی مورد توجه قرار می گیرند. با توجه به اهمیت ویژگی های حاکم بر این مناطق و تاثیر آن بر جرائم ارتكابی از سوی مهاجران در ادامه به بررسی موضوع حاشیه نشینی از منظر اثرات فرهنگی آن پرداخته می شود.

۱. آسیایی، رویا، درآمدی بر جرم شناسی فرهنگی، مجد، چاپ نخست، تهران، ۱۳۹۹، صص ۵۶-۶۱.

۲. همان، ص ۶۶.

در ارتباط با حاشیه نشینی اصطلاحات متعددی در زبان فارسی مورد استفاده قرار گرفته است؛ از جمله ی آن‌ها می‌توان به آلونک نشینی، زاغه نشینی، حلبی آباد و ... اشاره کرد. حاشیه نشینی به معنای اعم، شامل سکونت تمام کسانی است که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند، ولی جذب اقتصاد شهری نشده اند. حاشیه نشینان، کسانی هستند که در سکونت گاه های غیرمتعارف نسبت به ساکنین بافت اصلی شهر، زندگی می کنند. گروه های مزبور بیشتر بر اثر نیروی دافعه خاستگاه، چون فقر و بیکاری و ...، از زادگاه خود رانده شده و به شهرها روی آورده اند و از آنجا که اکثریت این گروه ها بی سواد هستند و مهارتی در جهت جذب در بازار کار شهر ندارند، عامل پسران شهری نیز آنان را به حاشیه کشانده است.^۱

افراد حاشیه نشین از نظر اجتماعی دارای موقعیتی ضعیف بوده و در طبقه پایین اجتماعی قرار دارند و شیوه زندگی جدیدی را به وجود آورده اند که نسبت به سه شیوه رایج زندگی (شهری، روستایی، ایلیاتی) متفاوت بوده و با ویژگی های اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود، بافت فیزیکی معینی را به وجود می آورند. تحقیقات نشان می دهد که اجتماع های حاشیه نشین، به شدت با فقر و آسیب پذیری در زمینه اشتغال، درآمد و مصرف، مسکن و دسترسی به تسهیلات و سازمان ها و خدمات اجتماعی دست به گریباناند.^۲

رابرت پارک جامعه شناس آمریکایی انسان حاشیه نشین را شخصیتی می داند که از برخورد یا پیوند دو یا چند نظام فرهنگی متفاوت و احياناً متخاصم ظهور می نماید. چنین موجود دورگه ای در زمان واحد نسبت به هر دو نظام، احساس هم بستگی و تعلق دارد، ولی در عین حال خود را نسبت به هیچکدام، کاملاً متعلق و متمایل نمی داند.^۳ افراد حاشیه نشین در شهرها اغلب از مهاجران هستند؛ چرا که اغلب به دلیل عوامل دفع های مناطق متبوع تصمیم به مهاجرت می گیرند و برای زندگی بهتر و بهره مندی از امکانات بیشتر به شهرهای بزرگ مهاجرت می کنند؛ آنها در منطقه میزبان با مشکلات زیادی مواجه می شوند که یکی از این مشکلات مربوط به حوزه ی فرهنگ و عدم تطبیق فرهنگ خویش

۱- بشیریه، تهمورث و دیگران، رابطه حاشیه نشینی با ارتکاب جرم در شهر کرمانشاه (مورد مطالعه: منطقه حاشیه نشین دولت آباد کرمانشاه در سال ۱۳۹۳، مجله پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، ۱۱، ص ۱۶۶.

۲- فولادیان، مجید، و رضایی بحرآباد، حسن، نگاهی به آسیب های اجتماعی و جرائم در حاشیه شهر مشهد و بررسی عوامل تسهیل کننده آن، ۱۳۹۸، جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، ۸(۱)، ص ۳.

۳- بشیریه، تهمورث، پیشین، ص ۱۶۷.

با فرهنگ میزبان است و مشکل دیگر اینکه مردم ساکن در منطقه‌ی میزبان از حضور آن‌ها زیاد خشنود نبوده و مشکلات فرهنگی یا اقتصادی خود را به آن‌ها ارتباط می‌دهند؛ این عوامل در کنار یکدیگر دست به دست هم می‌دهند تا اینکه فرد برای زندگی به دنبال محیط کم هزینه تر با مطابقت فرهنگی بیشتر یعنی حاشیه شهر روی آورد؛ که نوع مساکن و وضعیت اقتصادی و فرهنگی آن‌ها با اکثریت جمعیت شهری متفاوت است.

حاشیه نشینی الزاما بدین معنا نیست که فرد حاشیه نشین درگیر در رفتارهای مجرمانه شود. اما با توجه به ترکیب جوامع حاشیه‌ای ارتکاب جرائم خاص قابل پیش بینی است. ارتکاب جرم در مناطق حاشیه ای با توجه به ویژگی های حاکم بر این مناطق و افراد ساکن در آن متفاوت با سایر مناطق شهری است.

در مراحل اولیه بعد از مهاجرت، بازتاب زندگی شهری به عینه بودن نمودهای رفاهی طبقات مرفه، احساس تبعیض را در نهاد آنان به وجود می آورد که سطح انتظار آنان را بالا می برد و آنان را به سمتی می کشاند که در جستجوی آن برآیند. در این راه آنان نه تخصص دارند، نه سرمایه و نه توان. تنها یک راه حل برای آنها باقی می ماند و آن چیزی نیست جز تخلف از مقررات قانونی. در واقع در حاشیه قرار گرفتن، خود خرده فرهنگ های مختلفی را تسری می دهد که یکی از آن ها خرده فرهنگ بزهکاری یا جرم است، از این روست که حاشیه نشینی مترادف با آسیب ها و انحرافات اجتماعی است. ادوین ساترلند آموزش جرم را مقدمه‌ی تبدیل به مجرم حرفه‌ای توسط افراد می‌داند؛ که معتقد بود افراد این آموزش را در خرده فرهنگ‌های بزهکاری در سکونتگاه‌های خود در حاشیه‌ی شهرها می‌بینند. خرده فرهنگ مذکور که به خرده فرهنگ انحرافی معروف است؛ عبارت است از پیروی و وفاداری گروهی از افراد که از رفتارها و هنجارهای مشابه یکدیگر که با رفتارها و هنجارهای غالب جامعه در تضاد است.

اوصاف عمومی نواحی حاشیه نشینی که با جرم و جنایت ملازمه دارد، عبارتند از: چهره نامطلوب شهری، پایین بودن بهداشت عمومی، پایین بودن سلامت روانی و جسمی، فقدان شغل مناسب و درآمد کافی، وجود خرده فرهنگ های متعدد، تراکم بالای جمعیت، ضعف امکانات رفاهی و آموزشی، گستردگی فقر، گسترش مواد مخدر و اعتیاد، خاستگاه انحرافات و جرایم تبعات منفی حاشیه نشینی.^۱

۳-۱- مهاجرت و تعارض فرهنگی و قومی

فرهنگ هر جامعه‌ای متشکل از ارزش‌ها و هنجارهایی است؛ که نتیجه رعایت آن‌ها چیزی به جز انسجام اجتماعی و برقراری نظم عمومی نیست. هر جامعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های خاص خود برخوردار است؛ که با شهر یا کشور دیگر متفاوت است و افراد اعم از ساکنین قدیمی و ساکنین فعلی که ممکن است از شهر و یا کشور دیگر به دلایل مختلف به آنجا مهاجرت کرده باشند ممکن است خواسته یا ناخواسته به شکل‌های گوناگون در جهت نقض آن‌ها گام بردارند.

مهاجرت یک پدیده‌ی اجتماعی است؛ که در مواقعی که با فرهنگ آمیخته می‌شود؛ مرکب از ارزش‌ها و هنجارهای خاص کشور متبوع فرد است که ممکن است با ارزش‌ها و قواعد اجتماعی کشور مهاجرپذیر متناسب و یکسان نباشد. این گوناگونی فرهنگی گاه مورد استقبال و پذیرش افراد ساکن در کشور میزبان قرار می‌گیرد؛ که در این صورت مسئله‌ی تعارض مطرح نیست اما مشکل جامعه میزبان و مهاجران زمانی به وجود می‌آید که بین ارزش‌های کشور مبدأ و ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری کشور مهاجرپذیر هماهنگی نباشد؛ که در این صورت نتیجه آن ایجاد تعارض بین فرهنگ هاست و اگر این تعارض حل نشود؛ هم افراد مهاجر و هم افراد کشور مهاجر پذیر با یک چالش فرهنگی مواجه می‌شوند که نتایج مخربی را برای طرفین به بار می‌آورد. در این صورت است که میتوان به مهاجرت به عنوان یک پدیده‌ی جرم زا نگریست.

سلین تعارضات فرهنگی را به دو نوع تعارضات فرهنگی اولیه و ثانویه تقسیم بندی می کند. تعارضات فرهنگی اولیه در هنگام مواجه شدن دو فرهنگ متفاوت به وقوع می‌پیوندد. در این خصوص می‌توان به مهاجرت اشاره کرد؛ که در آن پیروان یک مجموعه‌ی فرهنگی به کشور یا شهر دیگری، که فرهنگی متعارض با فرهنگ آن‌ها دارد؛ مهاجرت می‌کنند.

ویرث که سلین نظریه خود را از او اقتباس کرده بود، بیشتر مطالعات خود را در محله‌هایی که شامل مهاجران خاص بود انجام می‌داد و نام این محله‌ها به این دلیل که از امکانات کمتری نسبت به دیگر نقاط شهر برخوردار بودند «گتو» گذاشت و در پی پاسخ به این سوال بود که تعارض‌های فرهنگی ناشی از مهاجرت، چه میزان بر ارتکاب جرایم موثر است.

ویرث فرضیه نخست خود را اینگونه مطرح کرد؛ که میزان بزهکاری نسل اول مهاجرین با میزان بزهکاری آمریکایی ها برابر است و تفاوت جرایم افراد مهاجر را با آمریکایی ها را در ماهیت جرایم ارتكابی دانست؛ که با کشوری که از آن مهاجرت کرده اند ارتباط مستقیمی دارد. فرضیه ی دوم که مطرح کردند؛ این بود که ماهیت جرایم ارتكابی مهاجرین نسل دوم با ماهیت بزهکاری آمریکایی ها برابر است. فرهنگ زدایی مهاجرین نسل دوم در کشور میزبان سبب می شود؛ که نرخ ماهیت جرایم ارتكابی آنان با افراد ساکن در کشور میزبان یکسان باشد.

فرهنگ زدایی به این معنی است؛ که افراد کشور مهاجر فرست نسبت به فرهنگ کشور خود اهمیتی قایل نیستند و در مقابل فرهنگ زدایی، فرهنگ پذیری قرار دارد؛ که افراد سعی در فراموش کردن فرهنگ گذشته خود و پذیرش فرهنگ کشور میزبان برای دو مقصود هستند: کمتر تحقیر بشوند و از هویت اجتماعی برخوردار گردند.^۱

فرد مهاجر در راستای جذب در فرهنگ کشور میزبان ممکن است با موانع مختلفی از جمله آموزش زبان و شغل مواجه بشود. تحقیقات در کشورهای مختلف نشان می دهد بسته به اینکه جامعه میزبان در دسته کشورهایی باشد که مهاجرپذیر محسوب می گردند و یا خیر، تاثیر حضور مهاجران بر جرایم متفاوت است. در کشورهایی مهاجرپذیر مثل کانادا میزان درگیری افراد با جرم کمتر است از کشورهایی مثل ژاپن و فرانسه. شاید به این علت است که در این کشورها قدرت جذب مهاجرین در جامعه بالاست.^۲ در کشورهایی که فرد جذب فرهنگ جامعه میزبان نمی شود در پی راهکار برای دور زدن این مانع است؛ که از جمله ی این راهکارها ارتكاب بزه است. بنابراین هر اندازه که فرهنگ فرد مهاجر متلاشی تر و در توانایی جامعه پذیر بودن افراد خود دچار ضعف بیشتری باشد؛ بیشتر از بزهکاری به عنوان راهکار در در مواقع تعارضات فرهنگی استفاده می کند و بیشتر به سمت آن گروه هایی متمایل می شود که فرهنگشان با فرهنگ کشور میزبان در تعارض است.

۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی، تقریرات درسی، ویراست هفتم، ۱۳۹۱، ص ۱۲۶۲-۱۲۶۷.

2- Wortley, Scot, Introduction. The Immigration-Crime Connection: Competing Theoretical Perspectives, Int. Migration & Integration (2009) 10, P 350, DOI 10.1007/s12134-009-0117-9

به تبع مهاجرت و با شکل گیری تنوع فرهنگی، در برخی از موارد ممکن است، متفاوت بودن فرهنگ های اقوام مختلف منجر به خصومت و در نهایت ایجاد تعارض شود؛ به این اتفاق اصطلاحاً «تعارض قومی» گفته میشود.

مفهوم تعارض قومی ریشه در دو عنوان تعصب و تبعیض دارد. تعصب یک امر درونی است که به عقیده ی یک گروه نسبت به گروه دیگر مربوط می شود. تبعیض یک امر بیرونی است و مربوط به رفتار واقعی یک عده نسبت به گروه دیگر می شود. تبعیض جنبه ی عملی تعصب است، به این گونه که یک گروه به فعالیت می پردازند؛ که در پی آن حق اعضای یک گروه برای بهره بردن و استیفا فرصت هایی که برای گروه دیگر به وجود آمده است، سلب می کند.^۱

با مهاجرت افراد از یک منطقه به منطقه دیگر، گاه جامعه میزبان با گروه هایی از قومیت های مختلف با فرهنگ های مخصوص به خود مواجه می شود؛ در صورتی که این اقوام امکان پذیرش فرهنگ قومیت دیگر را نداشته و میان آن ها خصومت شکل بگیرد؛ مسئله ی تعارض قومی مطرح می شود. زمانی چهره مثبت تنوع فرهنگی تغییر می یابد؛ که منجر به تعارض قومی یا چالش بین فرهنگ کشور خود و کشور دیگر بشود. در خلال این تعارض های فرهنگی بستر جامعه مهیا برای تشکیل خرده فرهنگ های مجرمانه می شود؛ مسئله ی تعارض فرهنگ ها مشکلاتی را برای افراد ساکن یک جامعه ایجاد می کند؛ از جمله ی مهم ترین آن ها برهم زدن انسجام اجتماعی جامعه و در مراحل بعد روی آوردن افراد مهاجر به بزه و ارتکاب جرم است.^۲

۳- تحلیل نوع جرائم در ارتباط با چالش های فرهنگی مهاجران

در ادامه به تفکیک به مهم ترین جرائمی که از سوی مهاجران با تاکید بر آنچه که در خصوص علل فرهنگی ارتکاب جرم بیان گردید؛ چه از نظر چالش های فرهنگی و چه از نظر تفاوت های خرده فرهنگ های مناطق حضور مهاجران، پرداخته خواهد شد. با توجه به اینکه دسترسی به آمارهای رسمی و یا حتی غیررسمی در این خصوص در اختیار نیست لذا با توجه به نتایج نظریات مطروحه و ویژگی های حضور مهاجران در جامعه

۱- خوش انس، فضل الله، مطالعه جرم شناختی تاثیر اتباع بیگانه در وقوع جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴، ص ۵۳-۵۴.

۲- اسلامی، رضا و همکاران، پیشین، ص ۴۷۰.

میزبان به این تحلیل خواهیم پرداخت.

بررسی وضعیت ارتکاب جرایم از سوی مهاجران بر اساس مدل فرهنگی نهایتاً باعث می شود تا سیاست گذاران به دو امر توجه کنند. اول آموزش مهاجران بالقوه در خصوص حقوق کیفری جامعه میزبان قبل از آنکه افراد تصمیم به مهاجرت بگیرند و دوم آگاه سازی و یا آموزش به مهاجران حاضر در جامعه میزبان در خصوص اینکه چگونه یک فرهنگ خاص و یا اعتقادات مذهبی و سنتی مربوط به گروه آن ها ممکن است منجر به تعارض با قانون شود.^۱

۳-۱- جرایم علیه اشخاص

خشونت فیزیکی امری است که تابع عوامل گوناگونی است. ضمن تاکید بر این امر که نظریاتی که معتقد به وجود رابطه میان مهاجرت با جرایم خشونت آمیز نیستند به همان اندازه معتبرند که تحقیقات حاکی از اعتقاد بر بالا رفتن نرخ جرایم خشن با مهاجرت^۲، مجموعه ای از معضلات اجتماعی که توسل به خشونت و ارتکاب قتل و ضرب و جرح با آنها در ارتباط است در مناطق حاشیه ای وجود دارد و مهاجران در صورت سکونت در این مناطق به دلایل مختلف درگیر با آن هستند.

با توجه به عوامل فردی و اجتماعی موثر در ارتکاب قتل به عنوان مهم ترین جرم علیه تمامیت جسمانی اشخاص احتمال ارتکاب آن در جوامع حاشیه ای و با ترکیب جمعیتی مهاجر که متشکل از خرده فرهنگ های مجرمانه و یا خرده فرهنگ های با هنجارهای متفاوت نسبت به جامعه میزبان هستند بالاست. ساکنین مناطق حاشیه ای بیشتر از مهاجرین روستاها و شهرهای کوچک هستند که در نزیک به یکدیگر سکونت دارند؛ که بیش تر مرتکب جرایم علیه اشخاص مانند قتل عمد و نزاع های دسته جمعی می شوند. برخی از علل و عوامل قتل مانند سودجویی و تحصیل اموال، جریحه دار شدن آبرو، خصومت های دیرینه، اعتیاد، تعصبات بیجا و نزاع های اتفاقی به وضوح در مناطق حاشیه شهرها قابل رویت است. امروزه شاهد این هستیم که بخش اعظم جرایم و تخلفات اعم از سرقت، فروش مواد مخدر و فحشا در این مناطق صورت می گیرد؛ زیرا هم بافت فیزیکی این

1- Wortley, Scot, Op. Cit, P 354, DOI 10.1007/s12134-009-0117-9

2- Light, Michael T. & Others, Immigration And Violent Crime: Triangulating Findings Across Diverse Studies, Marquette Law Review, Vol. 103, Issue 3, 2020, p 942.

ناحیه به آن ها اجازه سکونت می دهد و هم هیچ کنترل شدید و دقیقی اعم از عرفی و قانونی بر آنها صورت نمی گیرد، یعنی هر دو مورد فوق (بافت و معماری این مناطق و عدم نظارت دقیق انتظامی) عامل مهمی بر رؤیت ناپذیری این گروه ها هستند. بر اساس آمارهای ارائه شده جرایم خشونت باری چون اعتیاد، نزاع فردی و دسته جمعی، چاقوکشی، خرده فروشی، قتل و عربده کشی بیشترین جرایم حاشیه شهرها را تشکیل می دهد.^۱

خرده فرهنگ های موجود در مناطق حاشیه ای اغلب از قومیت های خاصی هستند؛ که از ورود افراد غریبه جلوگیری کرده و بیشتر مرتکب جرایم علیه اشخاص می شوند. با توجه به وجود تعصب های قومی در بین جامعه مهاجر و میزبان و یا در میان اقوام مختلف جامعه مهاجر حاشیه نشین ارتکاب قتل و درگیری های خشن قومی در میان آن ها بالاست.

مطالعات نشان می دهد تفاوت های فرهنگی باعث می شود برخی از رفتارهایی که از سوی خرده فرهنگ های حاشیه نشین ارتکاب می یابد از سوی جامعه میزبان خشونت محسوب گردد در حالی که در جامعه مهاجران چنین توصیفی را نداشته باشد.^۲ به عنوان مثال ازدواج در سنین پایین دختران که نوعی خشونت علیه کودکان محسوب می گردد.

۴-۱- جرایم علیه اموال

ارتکاب جرایم علیه اموال در میان مهاجران و در مناطق حاشیه ای نرخ بالاتری نسبت به ارتکاب آن از سوی مهاجران علیه افراد جامعه میزبان دارد. سکونت افراد در مناطق حاشیه ای که اغلب از شرایط به خصوصی نسبت به دیگر نقاط شهر، مانند ضعیف بودن کارکرد اقتصادی، فقر، کمبود فرصت های آموزشی و شغلی پایین برخوردار است؛ سبب می شود که برای انتقام به انقلاب های منفی علیه نظم موجود، که معمولا از نوع اقدامات خشم آلود است؛ دست بزنند و کمتر به جرایم علیه اموال خصوصا جرایمی همچون کلاهبرداری که برگرفته از خدعه و نیرنگ به جای زور هستند؛ مرتکب گردند.

البته تحقیقات حاکی از آن است که زمانی که ترکیب جامعه مهاجر متشکل از جوانان

۱- بشیریه، تهمورث، پیشین، ص ۱۷۳.

2- Wortley, Scot, Op. Cit, P 354.

بیکار باشد که در یک حال تدافعی و خشم نسبت به جامعه میزبان باشند احتمال ارتکاب جرم سرقت در جامعه میزبان افزایش می یابد.

نابسامانی های اجتماعی به عنوان بعد اجتماعی کیفیت زندگی در نظر گرفته شده اند که موجب جامعه پذیری منفی فرد می شوند و به مرور بر رفتارها و افکار افراد تاثیر می گذارند. زندگی در محیط هایی که وضعیت آسیب ها و جرایم در آنها به صورت بحرانی می باشد، منجر به شکل گیری خرده فرهنگ های منحرف می شود که این خرده فرهنگ ها، رفتارهای انحرافی همانند سرقت و خشونت را تبلیغ می کنند و افراد را به ارتکاب این گونه جرایم تشویق می کنند. بیسازمانی در محیط اطراف زندگی فرد، موجب کاهش نظارت اجتماعی و کنترل های رسمی و غیررسمی می گردد و زمانی که عامل نظارتی تضعیف شود، زمینه ارتکاب جرایم فراهم می شود. بایستی این نکته را اضافه نمود که بی سازمانی اجتماعی نیز غالباً در محیط های به وقوع می پیوندد که ساکنان آن از نظر اقتصادی در وضعیت ضعیفی می باشند، حاشیه نشین می باشند، از نظر وضعیت فرهنگی در سطح پایینی هستند و به همین دلیل مجموعه این شرایط دست به دست هم می دهند تا موجب بروز جرم شوند.^۱ هم چنین در مناطق حاشیه ای ممکن است فروش مال غیر و فروش اموال مسروقه اتفاق بیافتد.

۴-۱- تحلیل جرایم علیه امنیت و مصلحت عمومی

حضور مهاجران همواره از منظر امنیتی مورد توجه بوده است اما تحقیقات کمی در خصوص ارتکاب جرایم علیه امنیت توسط مهاجران صورت گرفته است و با توجه به ماهیت این نوع جرایم نمی توان از منظر نظریات فرهنگ محور آنها را مورد بررسی قرار داد. اما ارتکاب جرایم علیه مصلحت عمومی در میان مهاجران خصوصاً از جنبه های تاثیر عواملی هم چون حاشیه نشینی و خرده فرهنگ های موجود در آن و تعارض فرهنگی قابل بررسی است.

ساکنین مناطق حاشیه ای به دلیل احساس امنیت بالایی که در این مناطق احساس می کنند؛ بیشتر در این مناطق اقدام به فروش مواد مخدر می کنند. از طرف دیگر این مناطق یک

۱- مقیمی، مهدی، تاثیر کیفیت زندگی بر جرم سرقت، دو فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی شماره ۷۹-۸۰، ۱۳۹۶، ۱۵۸.

مکان امن برای تولید و فروش مشروبات الکلی هستند. مشاهدات تجربی نشان می دهد که در میان مهاجران با ترکیب سنی جوان و یا نسل دوم مهاجران که به عضویت خرده فرهنگ های مجرمانه در آمده اند، تمایل به ارتکاب جرایم در موضوعات مواد مخدر و مشروبات الکلی وجود دارد.

برخی مناطق حاشیه نشینی را به دلایل ذیل یک مرکز برای جرایم منافی عفت می دانند: تراکم جمعیت، گستردگی فقر، کمبود یا فقدان امکانات رفاهی در حاشیهی شهر، کاهش نظارت یا اعتیاد سرپرست.^۱

نتیجه گیری

امروزه یکی از مسائلی که بیش از گذشته و در سطح وسیع در دنیا به دلایل مختلف رو به افزایش است؛ مسئله مهاجرت افراد از منطقه ای به منطقه ای دیگر است؛ که در سطح داخلی اغلب از روستا به شهر و در سطح خارجی اغلب از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته، به اشکال مختلف صورت می پذیرد.

مهاجرین همزمان با ورود خود به منطقه ای جدید، فرهنگ جامعه خود را که شامل الگوهای رفتاری و ارزش های مخصوص به خود است و نوع برخورد ساکنین آنجا را تعیین می کند؛ را به شهر یا کشور مهاجر پذیر منتقل می کنند. هسته اساسی فرهنگ را ایده های سنتی و ارزش های پیوسته آنها تشکیل می دهد؛ بنابراین این الگوهای رفتاری در هر شهر یا کشوری متفاوت است و با هماهنگی فرهنگ فرد یا افراد مهاجر با فرهنگ ساکنین میزبان هیچ مشکلی به وجود نخواهد آمد؛ در غیر این صورت در زمان تلاقی فرهنگ فرد مهاجر با فرهنگ کشور یا شهر میزبان، مشکلاتی را ایجاد می کند.

اگر بخواهیم با یک دیدگاه منصفانه به موضوع ارتباط مهاجرت و ارتکاب جرم پردازیم تحقیقات نشان می دهد که اولاً مهاجران به نسبت افراد جامعه میزبان مرتکب جرایم بیشتری نمی شوند و ثانیاً مهاجرت موجب بالا رفتن احتمال ارتکاب جرایم خشن نمی شود اما این نتایج به شدت تابع عواملی هم چون شکل اولیه جامعه میزبان و ترکیب جمعیتی و فرهنگی مهاجران است.^۲ هر جامعه ای فرهنگ خاص خود را دارد و با مهاجرت

افراد الگوهای جنایی مناطق مهاجرفرست به مناطق مهاجرپذیر منتقل می شوند و بسته به هنجارها و ارزش ها و نوع جرایم منطقه ی مهاجرپذیر با الگوهای جنایی روستا یا شهر یا کشور مهاجرفرست فرد مهاجر مطابقت دارد. از آن جا که بیشتر مهاجرین از روستاها یا شهرهای کوچک و یا کشورهای در حال توسعه هستند؛ بنابراین در کنار تعارض فرهنگی با مشکلات اقتصادی نیز مواجه می باشند و این مسائل سبب اقدام آن ها برای سکونت در مناطق کم هزینه و با مطابقت فرهنگی بیشتر در حاشیه ی شهرها اقدام نمایند.

امروزه اغلب ساکنین مناطق حاشیه ی شهرها را مهاجرین که از شرایط مالی مناسبی برخوردار نبودند؛ تشکیل می دهد. سکونت مهاجرین در حاشیه ی شهر خود مقدمه ی ارتکاب بسیاری از جرایم است؛ که با توجه به شرایط به خصوص مناطق حاشیه ای مانند بافت فرسوده و قدیمی منازل، عدم امکانات خدماتی و رفاهی و درمانی، پایین بودن سواد افراد بیشتر ساکنین، فقر، جمعیت بالا و درآمد پایین، فرهنگ و قومیت های متفاوت و عضویت هر فرد مهاجر در خرده فرهنگ مجرمانه مخصوص به خود برای رسیدن به اهداف خود به روش های غیرقانونی و ارتکاب جرم متوسل می شوند.

Extended Abstract

Humans are inherently social beings, and their behavior is fundamentally shaped by the social environment in which they live. An individual's presence within a society both enables their influence on the community and subjects them to its social conditions. In the process of socialization, individuals are profoundly affected by culture, creating an inseparable link between the two. Cultural conflicts, subcultures, lifestyle differences, and cultural lag all contribute to pushing individuals toward criminal behavior, as cultural harm can lead to deviant acts. Extensive studies have explored the relationship between cultural factors and crime. This article specifically examines the impact of migration on cultural issues and, ultimately, on the transformation of the criminal profile within the host society. One of the significant consequences of migration is the emergence of cultural harm and cultural pluralism in the host country. However, being a migrant does not inherently imply criminality. Contemporary research largely indicates that there is no meaningful direct correlation between migration and an increase in crime rates within host communities. Nevertheless, the focus of this study is the nuanced relationship between cultural differences among migrants and the host society, which may create unique conditions conducive to committing certain types of crimes linked to cultural challenges.

Discussion

The reasons behind migration and the type of migration significantly affect the connection between migrants and criminal conduct. Demographic characteristics of migrants—including age, gender, professional skills, and educational level—alongside cultural differences or conflicts between migrants and the host community, can influence both the nature and frequency of crimes committed by migrants.

With the growth of populations due to migration, diverse cultures from various social strata coexist within a single geographic area. When these cultures intersect and cultural challenges arise, mutual understanding between groups diminishes, potentially giving rise to criminal subcultures. These subcultures, especially when formed in opposition to the

dominant culture and characterized by lack of cohesion, may transform into countercultures that actively resist mainstream norms. If migrants resist adopting the host country's culture, the risk of criminal behavior increases. Hence, while migrants may physically reside in the host country, their cultural adherence to their country of origin may predispose them to deviate from the host society's norms and laws. Confronted with new societal values and norms, migrants may gradually view these as relative rather than absolute, weakening their legitimacy and making violations easier.

Extensive criminological research into crime, criminals, and methods of prevention has revealed a close relationship between these factors and culture. Crime, like culture, must be understood within its cultural context. Cultural criminologists argue that all crimes have cultural roots, and that cultural habits play a significant role within power dynamics. Deviant subcultures are identified as primary contributors to criminal behavior, drawing attention to marginalized groups and illustrating how their norms, styles, and cultural values lead to law-breaking.

Living on the social margins does not automatically mean engagement in criminal behavior. However, the composition of marginalized communities often correlates with predictable patterns of crime, which differ from those in central urban areas. Common characteristics of marginalized urban areas associated with crime include poor urban conditions, low public health standards, mental and physical health issues, lack of stable employment and adequate income, the presence of multiple subcultures, high population density, limited welfare and educational opportunities, widespread poverty, and drug abuse—factors that collectively contribute to deviant behaviors and crime. Migrants face barriers such as language learning and employment that can hinder their cultural integration. Studies from various countries indicate that the impact of migration on crime depends heavily on whether the host society is migrant-friendly or not. Countries that are more accepting of migrants, such as Canada, generally experience lower crime involvement among migrants compared to less welcoming countries like Japan or France. This disparity may be due to the greater capacity of

migrant-receptive societies to integrate newcomers. In contrast, in societies where migrants fail to assimilate culturally, they may resort to alternative means, including criminal acts, as coping mechanisms. The more fragmented a migrant's cultural ties and the weaker their ability to adapt to the host culture, the more likely they are to engage in criminal behavior, often aligning with groups whose cultural values conflict with those of the host country. As migration leads to increased cultural diversity, differences among ethnic groups may occasionally provoke hostility and conflict, a phenomenon known as "ethnic conflict."

Conclusion

An objective examination of the link between migration and crime reveals two key findings: first, migrants do not commit more crimes than native populations; second, migration does not increase the likelihood of violent crime. However, these outcomes are highly dependent on factors such as the original structure of the host society and the demographic and cultural composition of migrants. Each society possesses a unique culture, and migration tends to transfer the criminal patterns of migrant-sending regions to migrant-receiving areas. Depending on the norms, values, and prevalent crimes in the host location, the criminal behavior of migrants may correspond more closely with their places of origin, whether rural, urban, or from developing countries. Most migrants come from rural or small urban areas in developing nations and face not only cultural conflicts but also economic hardships. Consequently, they often settle in low-cost neighborhoods on the urban periphery where cultural similarities exist. Today, the majority of residents in urban fringe areas are migrants with limited financial means. Their settlement in these marginalized neighborhoods often precedes the occurrence of specific types of crimes against individuals, property, and public welfare, facilitated by the unique conditions of these areas.

۱. اسلامی، رضا و همکاران، آموزش حقوق بشر، مجد، چاپ نخست، تهران، ۱۳۹۳.
۲. آسیایی، رویا، درآمدی بر جرم شناسی فرهنگی، مجد، چاپ نخست، تهران، ۱۳۹۹.
۳. بشیریه، تهمورث و دیگران، رابطه حاشیه نشینی با ارتکاب جرم در شهر کرمانشاه (مورد مطالعه: منطقه حاشیه نشین دولت آباد کرمانشاه در سال ۱۳۹۳، مجله پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی. ۱۳۹۷، ۱۱، ۱۶۱-۱۹۰).
۴. بیات، محسن، بزه دیده شناسی بیگانگان، مجد، چاپ نخست، تهران، ۱۳۹۵.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ سی و یکم، تهران، ۱۳۹۷.
۶. خوش انس، فضل الله، مطالعه‌ی جرم شناختی تاثیر اتباع بیگانه در وقوع جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.
۷. زینالی، امیرحمزه، جرم انگاری درحوزه‌ی فرهنگ، مجد، چاپ نخست، تهران، ۱۳۹۴.
۸. عابدینی راد، آرزو، و دیگران، بررسی تاثیر حضور اتباع خارجی بر تغییرات فرهنگی شهرهای مرزی (محدوده مورد مطالعه: شهرستان مریوان، استان کردستان). همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش ها و رهیافت ها، ۱۳۹۱. <https://sid.ir/pa-per/818446/fa>
۹. عبدالحسینی، زهرا، اثرات جرم زایی مهاجرت بر نسل دوم، میزان، چاپ نخست، تهران، ۱۳۹۶.
۱۰. غفاری نمین، سپیده، حقوق مهاجرت، جنگل، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۰.
۱۱. فلاح حقیقی، نگین و دیگران، تبیین پدیده مهاجرت و علل آن با رویکرد کیفی (مورد مطالعه: استان یزد). پژوهش های جامعه شناسی معاصر، ۱۴۰۳، ۱۳(۲۴)، ۲۵۳-۲۹۶. Doi: 10.22084/CSR.2024.28512.2248.

۱۲. فولادیان، مجید، و رضایی بحرآباد، حسن، نگاهی به آسیب های اجتماعی و جرائم در حاشیه شهر مشهد و بررسی عوامل تسهیل کننده آن، ۱۳۹۸، جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، ۸(۱)، ص ۳.

۱۳. محمدی، اقبال، عامل شناسی فرهنگی جرم و راه های پیشگیری از آن، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۲.

۱۴. مقیمی، مهدی، تاثیر کیفیت زندگی بر جرم سرقت، دوفصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی شماره ۷۹-۸۰، ۱۳۹۶، ۱۴۹-۱۷۰.

۱۵. موسی زاده، ابراهیم و دیگران، بررسی و تحلیل حقوق پناهندگی در نظام داخلی و حقوق بین الملل، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نخست، تهران، ۱۳۹۶.

۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی، به روز شده در سال ۱۴۰۲، <http://www.nadjafi.ir/download/ir.lawtest/pdf.jormshensi-taghrirat.58/>

۱۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی، تقریرات درسی، ویراست هفتم، ۱۳۹۱.

منابع انگلیسی

1. Light, Michael T. & Others, {1} Immigration And Violent Crime: Triangulating Findings Across Diverse Studies, Marquette Law Review, Vol. 103, Issue 3, 2020, p 939-961.
2. Light, micleal T. & Others, {2} Comparing crime rates between undocumented immigrants, legal immigrants and native born US citizen in texas, PNAS Princeton university, Vol 117, No. 51, , 2020, Pp 32340-32347.
3. Maghularia, Rita & Others, Do immigrants affect crime? Evidence for Germany, Journal of Economic Behavior & Organization, Vol. 211, 2023, Pp 486-512
4. Marie, Olivier & Others, Immigration and Crime: An Inter-

national Perspective, Journal of Economic Perspectives, Vol. 38, No. 1, WINTER 2024, pp. 181–200

5. United State Congressional Research Service Report (CRS), Immigration-Related Criminal Offenses, 2023, Available at: <https://crsreports.congress.gov>

6. Wortley, Scot, Introduction The Immigration-Crime Connection: Competing Theoretical Perspectives, Institute of Migration & Integration (2009) 10, 350, DOI 10.1007/s12134-009-0117-9